



در عرصه‌ی سینما از نظر زمانی، فیلم‌ها به سه دسته طبقه بندی می‌شوند:

۱. فیلم کوتاه

۲. فیلم نیمه بلند

۳. فیلم بلند

به نظر می‌رسد ساختن فیلم کوتاه، ساده‌تر از ساخت فیلم‌های بلند و نیمه‌بلند باشد اما این‌طور نیست، چرا که در فیلم کوتاه، فیلم‌ساز باید مفهومی را به طور تأثیر گذار، در زمانی اندک به تماشاگر القاء کند.

فیلم‌های کوتاه نیز خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. فیلم‌های نیمه‌کوتاه: ۳۰ دقیقه‌ای

۲. فیلم‌های کوتاه: ۲۰-۱۵ دقیقه‌ای

۳. فیلم‌های کوتاه کوتاه: ۷-۳ دقیقه‌ای

۴. فیلم‌های بسیار کوتاه: زیر ۳ دقیقه‌ای (که فیلم‌های صد ثانیه‌ای را شامل می‌شود).

عناصر اولیه‌ی فیلم‌های بسیار کوتاه، زمان، اقتصاد، ایده و ایجاز نمایشی هستند. در فیلم‌های کوتاه، خلاقیت به عنوان راه‌کاری عملیاتی برای نوآوری در فیلم، غالباً به یکی از طرق زیر نمودار می‌شود: ۱- ایده ۲- تکنیک ۳- روش یا متد.

مهم‌ترین راه‌کارهای عملیاتی نگارش فیلم‌نامه‌های بسیار کوتاه عبارت هستند از:

۱. رعایت کامل سادگی: پرهیز از اتخاذ هر نوع راه‌کار اجرایی افراطی اعم از زوایای نامتعارف دروبین، تمهیدات بصری نامناسب، حرکات محیرالعقول روبین، رنگ‌ها و گفت‌وگوها

۲. اجتناب از پرداختن به مضامین کلی یا مفاهیم ازلی و ابدی.

۳. گریز از قواعد مرسوم روایت‌گری در سینمای داستان‌گو.

۴. جتناب از انتخاب موضوعاتی زمان‌مند یا روی‌داد نگارانه.

۵. اجتناب از پردازش ساخت‌مایه‌های نمایشی. نظیر گره افکنی، اوج، کشمکش و بحران.

۶. اجتناب از تمهیدات شخصیت پردازانه.

۷. کلمه (واژه) به مثابه نما: یعنی هر کلمه‌ای که در فیلم گفته می‌شود بیانگر نمایی در ذهن مخاطب باشد.

۸. مؤلفه‌های عینی: پرهیز از پرداختن به عناصر تخیلی، فانتزی، و متافیزیکی.

۹. اجتناب از پراکندگی نگاه مخاطب: متمرکز عمل کردن روی زمان و مکانی خاص.

۱۰. تراکم اندازه‌ی نماهای متوسط تا بسته: پرهیز از نماهای باز، به دلیل زمان‌بر بودن آن‌ها.



باید توجه داشت تجربه‌های نمایشی بسیار کوتاه، نیازمند افق کمینه‌گرا (مینیمالیستی) از سوی فیلم‌ساز است که این خود نیازمند آشنایی با ادبیات و گاهی شعر می‌باشد. فیلم صد ثانیه‌ای تلاشی است برای نزدیک شدن به قالب‌های مدرن هنری.

برای نگارش تصاویر ذهنی در فیلم‌نامه‌های بسیار کوتاه (صد ثانیه‌ای) به فاکتورهای زیر باید توجه داشت:

۱. گزینش آزادانه‌ی یکی از مؤلفه‌های پیش‌نهادی.

۲. گسترش فضای تصویری مؤلفه‌ی انتخابی در ذهن.

۳. تمرکز بر فضای ذهنی: آمیزش ماده‌ی اولیه با عناصر ممکن صوتی یا بصری.

۴. توصیف فضای صحنه (زمان، مکان، رخداد نمایشی). باید تمام اجزاء مربوط به این‌ها را توصیف کنیم. البته نه درون فیلم‌نامه.

۵. ارزیابی عناصر صوتی یا بصری مرتبط با حس کلی غالب بر صحنه‌ی پیش‌نهادی.

۶. تهیه‌ی پیش‌نویس اولیه از فیلم‌نوشت؛ حدود ۳ برابر تعداد واژگان خواسته شده.

۷. نگارش شرح تصاویر ذهنی در قالب واضح‌ترین و کمترین واژگان زمانی.

۸. بازنویسی و تطابق نماها در ظرف واژگانی (زمانی) خواسته شده.

۹. ردیابی حس زیبا شناختی.

هر یک از موارد درخت، یک مرد یا یک زن، تاکسی، صدای اذان، و به طور کلی تمام عناصر پیرامون ما می‌تواند موضوع محوری یک فیلم کوتاه قرار بگیرد. به طور مثال در فیلمی که "عباس کیارستمی" در مجموعه‌ی فیلم‌های کارگردانان بزرگ سینما از جمله "دیوید لینچ" و "کن لوچ" ساخت، تنها از عناصر "ماهی‌تابه"، "تخم مرغ" و "صدای تلفن گویای خارج از قاب" استفاده کرد.

در نتیجه می‌شود گفت با ساده‌ترین و در دسترس‌ترین مؤلفه‌های نمایشی، می‌توان فیلمی کوتاه ساخت.